

مواد و روش کار

نمونه پژوهش مشتمل بر ۵۰۰ نفر است. ۴۰۰ نفر از این تعداد، افراد دارای حیوان خانگی بودند که در طی یک دوره یک ساله در سال ۱۳۸۶ به بیمارستان دام‌های کوچک دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران جهت درمان حیوانات مراجعه کرده بودند. این افراد طوری انتخاب شدند که در هر چهار گروه صاحبان گربه، سگ، پرند و سایر حیوانات (غیر سه از گروه قبلی) تعداد مساوی از افراد قرار گرفتند. ۱۰۰ نفر هم از همراهان بیماران یکی از بیمارستان‌های بزرگ شهر تهران به عنوان گروه گواه انتخاب شد. ابزارهای اندازه‌گیری: پرسشنامه سلامت روان عمومی (۲۸ General Health Questionnaire) - پرسشنامه خودگزارشی است و دارای ۲۸ سوال است. این پرسشنامه چهار خرده‌مقیاس علائم جسمانی، اضطراب، ناکارآمدی اجتماعی و افسردگی را شامل می‌گردد. نمره بالا در هر یک از این خرده‌مقیاس‌ها نشانگر وجود مشکلات بیشتر است. Goldberg در سال ۱۹۸۹ اعتبار پرسشنامه سلامت عمومی را از سه روش بازآزمایی، دو نیمه کردن و آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار داد که به ترتیب ضرایب اعتبار ۰/۷۰، ۰/۹۳ و ۰/۹۰ حاصل گردید. روایی سازه و همزمان این ابزار نیز در حد مطلوب گزارش شده است (۹).

خزانه سؤالات شخصیتی بین‌المللی: (Personality Item Pool International) این پرسشنامه خودگزارشی دارای ۵۰ ماده است که ۵ صفت اصلی شخصیت شامل روان‌رنجور خویی، برون‌گرایی، سازش‌پذیری، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجربه را می‌سنجد. هر ماده در این پرسش‌نامه روی مقیاسی پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود و آزمودنی‌ها به هر ماده بر اساس میزان صدق آن در مورد خود (از ۰=عمدتاً نادرست تا ۴=عمدتاً درست) پاسخ می‌دهند. میانگین آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه، ۰/۸۰ و متوسط همبستگی میان خرده‌مقیاس‌های معادل این پرسشنامه یا سیاهه شخصیتی نئو (۱۴)، ۰/۹۴ گزارش شده است (۱۰).

یافته‌ها: جمعیت‌شناختی نشان داد که میانگین سنی و انحراف استاندارد گروه نمونه صاحبان گربه (۳۰/۲۱ سال با انحراف استاندارد ۱۱/۶۶)، سگ (۳۱/۱۷ سال با انحراف استاندارد ۹/۷۳)، پرند (۳۰/۰۲ سال با انحراف استاندارد ۱۰/۴۷)، سایر حیوانات (۲۹/۲۰ سال با انحراف استاندارد ۱۱/۵۰) و گروه گواه (۳۰/۱۵ سال با انحراف استاندارد ۱۱/۵۰) است. در ضمن در هر یک از گروه‌ها ۶۰ نفر مرد و ۴۰ نفر زن بودند. یافته‌های توصیفی گروه نمونه در جدول ۱ ارائه شده است.

باتوجه به این که هدف پژوهش حاضر، مقایسه نیمرخ‌های شخصیتی و سلامت روان عمومی گروه‌های صاحبان حیوانات و گروه گواه است و هر یک از این نیمرخ‌ها دارای بیش از یک متغیر (پنج زیرمقیاس) است؛ لذا بایستی از تحلیل واریانس چند متغیری برای دستیابی به این هدف استفاده گردید. استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد نیمرخ

همچنین Parslow در سال ۲۰۰۵ دریافت صاحبان حیوانات خانگی و کسانی که از حیوانات مراقبت می‌کنند، روان‌گسیخته‌خوبی بیشتری را نشان می‌دهند. آنها ترجیح می‌دهند به تنهایی به پیاده روی بروند و تمایل دارند که دیگران از آنها بترسند (۲۰).

Mattson و Cameron در سال ۱۹۷۲ نیز دریافتند صاحبان حیوانات خانگی حیواناتشان را بیشتر از افراد دوست دارند (۴). Brown و همکاران در سال ۱۹۷۲ نیز نشان دادند کسانی که از سطح تعامل اجتماعی پایین‌تری برخوردارند، به احتمال زیاد حیوانات خودشان را جانشین بخشی از این کمبود می‌دانند (۳). پژوهش Mc Nicholas و همکاران در سال ۱۹۹۸ نیز به این نتیجه منتهی شد که افرادی که ویژگی شخصیتی تیپ را دارند احتمال کمی دارد که حیوان خانگی داشته باشند. چرا که سطوح بالای خصومت، بیقراری، پشتکار شدید، جاه‌طلبی و سبک زندگی پرتلاش ممکن نیست آنها را مستعد داشتن حیوان خانگی نماید (۱۵).

در پژوهشی Kidd و Kelley در سال ۱۹۸۳ نشان دادند که صاحبان اسب از لحاظ جرأت‌ورزی و درون‌گرایی دارای نمرات بالاتری نسبت به صاحبان لاک‌پشت، مار و پرند بودند؛ صاحبان لاک‌پشت سخت‌کوش و قابل اعتمادتر؛ صاحبان مار بیشتر جویای تجارب جدید؛ صاحبان پرند نیز برون‌گراتر از سایرین بودند (۱۳). در پژوهش Edelson و همکاران در سال ۱۹۸۳ برون‌گرایی فقط با داشتن حیوان خانگی برای مردان رابطه داشت؛ و برون‌گراترین مردان به احتمال زیاد سگ را به هر حیوان دیگری ترجیح می‌دادند (۶). صاحبان گربه همدلی پایین‌تر و صاحبان سگ همدلی بالاتری را نشان می‌دادند (۵، ۱۲). Kidd در سال ۱۹۸۰ در مطالعه قبلی خود نیز دریافتند که صاحبان سگ نسبت به صاحبان گربه از پرخاشگری بالاتری برخوردار بودند (۱۱). Kidd و Kidd در سال ۱۹۹۹ در مطالعه دیگری که به منظور بررسی تفاوت‌های بین صاحبان سگ و گربه در چهار ویژگی خودمختاری، سلطه‌گری، مهرورزی و پرخاشگری انجام دادند؛ بالاترین میزان خودمختاری در مردان صاحب گربه قابل مشاهده بود. در مقیاس سلطه‌گری مردان صاحب سگ و سایر حیوانات از بالاترین سطح سلطه‌گری و زنان صاحب گربه دارای پایین‌ترین سطح بودند. بالاترین میزان مهرورزی را زنان دوستدار حیوانات خانگی نشان دادند. بالاترین میزان پرخاشگری در مردان صاحب سگ و کمترین میزان پرخاشگری در زنان دوستدار سگ و گربه به دست آمد (۱۱، ۱۲).

بنابراین آنچه که گفته شد مطالعات، تفاوت‌های گوناگونی را در سلامت روان و ویژگی‌های شخصیتی افراد دارای انواع حیوانات خانگی نشان داده‌اند و نتایج حاصل از آنها را نمی‌توان در جهت مشخصی دانست. از سوی دیگر تقریباً تمام این مطالعات در کشورهای دارای فرهنگ متفاوت از ایران انجام یافته است؛ که این امر می‌تواند نتایج متفاوتی از آنچه در ایران وجود دارد، ایجاد کرده باشد. از این رو در این مطالعه سعی بر آن بوده است وضعیت سلامت روان و ویژگی‌های شخصیتی صاحبان حیوانات خانگی با افراد فاقد حیوان مورد مقایسه قرار گیرد.

جدول ۱- خلاصه یافته‌های توصیفی زیرمقیاس‌های پرسشنامه شخصیتی بین‌المللی و سلامت روان عمومی.

سلامت روان عمومی				شخصیت بین‌المللی			
انحراف معیار	میانگین	گروه	زیرمقیاس	انحراف معیار	میانگین	گروه	زیرمقیاس
۸/۲۵	۲۹/۸۹	صاحب گربه	برون‌گرایی	۳/۹۵	۴/۷۸	صاحب گربه	علایم جسمانی
۷/۱۶	۳۰/۳۱	صاحب سگ		۳/۳۲	۳/۶۱	صاحب سگ	
۹/۴۳	۳۰/۳۳	صاحب پرنده		۵/۰۸	۵/۶۷	صاحب پرنده	
۵/۰۳	۲۹/۱۹	صاحب سایر		۳/۹۲	۴/۱۹	صاحب سایر	
۶/۴۵	۳۱/۷۰	گواه		۴/۴۵	۵/۴۳	گواه	
۷/۳۳	۳۷/۰۵	صاحب گربه	سازش‌پذیری	۴/۸۵	۵/۳۸	صاحب گربه	اضطراب
۵/۸۸	۳۳/۶۵	صاحب سگ		۴/۲۵	۴/۸۴	صاحب سگ	
۷/۵۰	۳۶/۷۵	صاحب پرنده		۵/۱۷	۶/۳۹	صاحب پرنده	
۵/۷۹	۳۶/۸۸	صاحب سایر		۴/۳۳	۵/۹۹	صاحب سایر	
۵/۵۰	۳۶/۷۹	گواه		۴/۷۳	۵/۴۶	گواه	
۹	۳۷/۶۸	صاحب گربه	وظیفه‌شناسی	۳/۴۶	۷/۱۷	صاحب گربه	ناکارآمدی اجتماعی
۴۳/۴۸	۳۷/۵۳	صاحب سگ		۳/۴۹	۵/۷۶	صاحب سگ	
۸/۴۷	۳۵/۳۹	صاحب پرنده		۴/۵۲	۷/۷۶	صاحب پرنده	
۸/۲۸	۳۵/۶۱	صاحب سایر		۲/۷۸	۶/۰۴	صاحب سایر	
۵/۸۶	۳۴/۶۱	گواه		۳/۲۶	۴/۲۷	گواه	
۶/۸۷	۲۸/۲۱	صاحب گربه	روان‌رنجور خوبی	۳	۲/۱۵	صاحب گربه	افسردگی
۵/۸۸	۲۸/۰۳	صاحب سگ		۳/۷۰	۲/۷۵	صاحب سگ	
۱۰/۹۷	۲۸/۵۳	صاحب پرنده		۴/۹۵	۴/۴۷	صاحب پرنده	
۶/۷۳	۳۱/۳۴	صاحب سایر		۴/۲۸	۲/۸۴	صاحب سایر	
۸/۰۷	۲۷/۶۴	گواه		۳/۱۶	۲/۲۱	گواه	
۶/۷۳	۳۱/۱۶	صاحب گربه	گشودگی به تجربه	۱۲/۲۰	۱۹/۴۸	صاحب گربه	سلامت عمومی (کل)
۳/۶۸	۲۸/۱۷	صاحب سگ		۱۰/۹۳	۱۶/۹۶	صاحب سگ	
۶/۱۶	۳۰/۰۲	صاحب پرنده		۱۷/۹۹	۲۴/۲۸	صاحب پرنده	
۵/۹۴	۳۰/۲۶	صاحب سایر		۱۱/۴۴	۱۹/۰۵	صاحب سایر	
۵/۵۶	۳۶/۰۸	گواه		۱۳/۷۰	۱۸/۳۷	گواه	

($W = 0.75$). ادامه «تحلیل نشان داد علاوه بر اینکه نیمرخ شخصیتی گروه‌های صاحبان حیوانات و گروه گواه متفاوت است، بلکه میانگین زیرمقیاس‌های سازش‌پذیری، روان‌رنجور خونی و گشودگی به تجربه نیز در بین این گروه‌ها تفاوت دارد (جدول ۳). آزمون تعقیبی بن‌فرونی این آزمون نشان داد میانگین زیرمقیاس سازش‌پذیری صاحبان سگ با میانگین کلیه گروه‌ها به‌طور معنی‌داری پائین‌تر است. در حالی‌که دیگر گروه‌ها از این حیث هیچ تفاوتی ندارند. همچنین میانگین زیرمقیاس روان‌رنجور خونی نیز در بین گروه‌های صاحبان سایر حیوانات با گروه صاحبان سگ و گروه گواه تفاوت معنی‌داری دارد. این تفاوت طوری است که صاحبان سایر حیوانات دارای بالاترین میانگین در روان‌رنجور خونی هستند. میانگین‌های زیرمقیاس گشودگی به تجربه نیز نشان‌دهنده آن است که گروه گواه دارای بالاترین و گروه صاحبان سگ دارای پائین‌ترین میزان بوده و از این لحاظ گروه گواه با کلیه گروه‌ها و گروه صاحبان سگ نیز با صاحبان گربه تفاوت معنی‌داری دارند.

نتایج

نتایج مطالعه حاضر نشان داد ناکارآمدی اجتماعی صاحبان گربه و پرنده، افسردگی و مشکلات سلامت روان کلی صاحبان پرنده بیشتر از گروه گواه است. این یافته با یافته‌های Parslow در سال ۲۰۰۵، و در سال ۱۹۹۹ و

سلامت روان پنج‌گروه تفاوت معنی‌داری از هم دارند ($p < 0.001$) و (161980) ($df = 5/47$ و $F = 0.17$). ادامه «تحلیل نشان داد علاوه بر این‌که نیمرخ شخصیتی گروه‌های صاحبان حیوانات و گروه گواه متفاوت است، بلکه کلیه میانگین زیرمقیاس‌ها بجز زیرمقیاس اضطراب در بین این گروه‌ها تفاوت دارد (جدول ۲). نتایج آزمون تعقیبی بن‌فرونی مربوط به این آزمون نشان داد میانگین زیرمقیاس علائم جسمانی گروه صاحبان سگ پائین‌ترین میانگین بوده و با میانگین گروه گواه و صاحبان پرنده تفاوت معنی‌داری دارد. میانگین زیرمقیاس ناکارآمدی اجتماعی گروه صاحبان پرنده نیز دارای بالاترین میزان در بین پنج گروه بوده و با میانگین گروه‌های گواه و صاحبان سگ و سایر حیوانات تفاوت معنی‌داری نشان داد. البته بین گروه صاحبان گربه و گروه گواه نیز چنین تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. همچنین نتایج این آزمون نشان داد میانگین زیرمقیاس افسردگی صاحبان پرنده در برابر دیگر گروه بالاترین مقدار بوده و از این حیث با کلیه گروه‌ها تفاوت معنی‌داری دارد. در مجموع نیز میانگین مشکلات سلامت عمومی صاحبان پرنده در مقایسه با دیگر گروه‌ها بیشتر بوده و از این حیث با دو گروه صاحبان سگ و گروه گواه تفاوت معنی‌داری نشان داد.

بررسی تفاوت نیمرخ‌های شخصیتی نیز از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. نتایج این تحلیل نشان داد نیمرخ شخصیتی پنج گروه تفاوت معنی‌داری از هم دارند ($p < 0.015$) و (201629) ($df = 7/26$ و $F = 7.26$)



جدول ۲- خلاصه یافته‌های آزمون اثر بین آزمودنی‌ها میانگین‌های زیرمقیاس‌های پرسشنامه سلامت عمومی.

متغیر	نوع سوم مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی داری
علائم جسمانی	۲۹۲/۲۹	۴	۷۳/۰۷	۴/۲۹	۰/۰۲
اضطراب	۱۴۲	۴	۳۵/۵۰	۱/۶۲	۰/۱۷
ناکارآمدی اجتماعی	۴۲۴/۹۰	۴	۱۰۶/۲۲	۸/۴۶	۰/۰۰۱
افسردگی	۳۵۲/۶۶	۴	۸۸/۱۷	۵/۴۹	۰/۰۰۱
سلامت عمومی (کلی)	۳۰۷۴/۱۶	۴	۷۶۸/۵۴	۴/۲۲	۰/۰۰۲

جدول ۳- خلاصه یافته‌های آزمون اثر بین آزمودنی‌ها میانگین‌های زیرمقیاس‌های پرسشنامه شخصیت.

متغیر	نوع سوم مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی داری
برون‌گرایی	۳۳۶	۴	۸۴	۱/۵۳	۰/۱۹
سازش‌پذیری	۸۳۳/۳۹	۴	۲۰۸/۳۵	۵	۰/۰۰۱
وظیفه‌شناسی	۷۴۸/۱۷	۴	۱۸۷/۰۴	۰/۴۴	۰/۷۸
روان‌رنجور خوبی	۸۸۰/۴۲	۴	۲۲۰/۱۰	۳/۵۲	۰/۰۰۸
گشودگی به تجربه	۳۵۲۵/۳۷	۴	۸۸۱/۳۴	۲۷/۰۲	۰/۰۰۰۵

Paden- Levy در سال ۱۹۸۵ که بیان نموده افراد دارای حیوانات خانگی روان‌رنجور خونی پائینی دارند (۱۹)، ناهمسواست.

در بعد گشودگی به تجربه، نتایج مطالعه حاضر نشان از سطح پایین‌تر این ویژگی شخصیتی در صاحبان حیوانات خانگی داشت. این نتایج ناهمسو با مطالعات Vidovic و همکاران در سال ۲۰۰۱ در سال و Kidd و همکاران در سال ۱۹۸۳ (۱۱) است. Vidovic و همکاران در سال ۲۰۰۱ نشان داد که صاحبان حیوانات دارای ارزش‌های اجتماعی بیشتر و تمایل بیشتر به هم‌نوایی با قوانین اجتماعی هستند (۱۱). Kidd و همکاران در سال ۱۹۸۳ نیز بیان کردند که صاحبان اسب دارای توان جرات‌ورزی بالا و استعداد رو برو شدن با تجارب جدید را دارا هستند (۲۰). در پژوهش حاضر، بعد سازش‌پذیری هیچ‌گونه تفاوتی را بین صاحبان گربه، پرنده و سایر حیوانات با گروه گواه مشاهده نشد. ولی صاحبان سگ از این حیث پائین‌تر از چهار گروه دیگر بود. وجود سطح پائینی از سازش‌پذیری با ویژگی‌هایی از قبیل عدم اعتماد به دیگران، درشت‌خوئی، سنگ‌دلی و پرخاشگری همراه است (۱۴). این یافته به یافته‌های مطالعاتی که نشان داده‌اند میزان پرخاشگری در صاحبان سگ بالاتر است (۱۱، ۱۲) همسواست. نتایج پژوهش در بعد وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی هیچ‌گونه تفاوتی را بین صاحبان حیوان و افراد فاقد حیوان نشان نداد. لازم به ذکر است در بسیاری از مطالعات وظیفه‌شناسی با نگهداری حیوان خانگی رابطه نشان نداد (۱۲، ۱۹، ۲۰) ولی برخی از مطالعات رابطه برون‌گرایی را با نگهداری حیوان خانگی نشان داده‌اند (۶، ۱۱، ۲۰).

در مجموع با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، می‌توان ذکر کرد که در ایران سلامت روان صاحبان حیوانات خانگی در مقایسه با افراد فاقد حیوان پائین‌تر است. در ضمن ویژگی‌های شخصیتی مطلوب در این افراد در مقایسه با گروه گواه در سطح پائینی قرار دارد. لذا می‌توان این امر را بدین گونه جمع‌بندی و تبیین کرد که در ایران دلایل و موجبات نگهداری حیوان در درجه اول متفاوت از دیگر کشورهاست و در درجه دوم این عمل از سوی افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی مطلوب چندان مورد قبول نیست. لذا جهت کشف دلایل و موجبات این امور نیاز به انجام پژوهش‌های بسیار است.

Kidd و Kidd همکاران در سال ۱۹۹۹ (۲۱، ۲۰، ۱۲) همسواست. این مطالعات نشان داده‌اند که نگهداری حیوانات خانگی نه تنها تاثیر مثبتی بر سلامت روانی و جسمی افراد ندارد؛ در برخی مواقع نیز می‌تواند به عنوان جایگزینی برای برخی مشکلات سلامتی باشد. Mattson و Cameron در سال ۱۹۷۲ نیز دریافتند صاحبان حیوانات خانگی حیواناتشان را بیشتر از افراد دوست دارند (۴). Brown و همکاران در سال ۱۹۷۲ نیز نشان دادند کسانی که از سطح تعامل اجتماعی پایین‌تری برخوردارند، به احتمال زیاد حیوانات خودشان را جانشین بخشی از این کمبود می‌دانند (۳). در ضمن یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های متعددی از جمله McNicholas و همکاران در سال ۲۰۰۵، Friedmann در سال ۱۹۹۸، Siegel در سال ۱۹۸۷، Garrity در سال ۱۹۸۹، Mugford در سال ۱۹۷۵ و Akiyama در سال ۱۹۸۷ (۱۷، ۱۵، ۸، ۱۰، ۱۷) ناهمسو است. این افراد در تبیین این موضوع ذکر کرده‌اند که حیوانات خانگی همانند یک کاتالیزور اجتماعی عمل می‌کنند؛ که منجر به تماس‌های اجتماعی بیشتر بین افراد می‌شوند. این روابط انسانی نیز به نوبه خود، ادراک از وقایع استرس‌آمیز را کاهش داده، و به عنوان عامل ضد اضطراب که با بسیاری از بیماری‌ها رابطه دارد، عمل می‌کند. از دلایل احتمالی ناهمسوئی یافته‌های پژوهش حاضر با بسیاری از تحقیقات انجام شده در سایر کشورها، وجود تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی دانست. در ایران اکثر نگهداری حیوان خانگی، توسط افرادی صورت می‌گیرد که از آن به عنوان جایگزینی برای محرومیت‌های تعاملی اجتماعی و انسانی استفاده می‌شود. یکی از دلایل این نوع محرومیت‌ها می‌تواند به علت دارا نبودن سلامت روانی مناسب و ایجاد روابط بهینه با دیگران در نظر گرفته شود.

مقایسه صاحبان گربه، سگ، پرنده و سایر حیوانات با گروه گواه نشان داد سازش‌پذیری صاحبان سگ و گشودگی به تجربه صاحبان کلیه حیوانات در مقایسه با گروه گواه پائین‌تر است و این در حالی است که روان‌رنجور خونی صاحبان سایر حیوانات در مقایسه با گروه گواه بیشتر است. در ضمن برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی این گروه‌ها با گروه گواه تفاوتی نشان ندادند. این یافته که صاحبان حیوانات سطح بالاتری از روان‌رنجور خونی را دارا هستند، همسو با یافته‌های Parslow در سال ۲۰۰۵ و Kidd و Kidd در سال ۱۹۸۰ است (۲۰، ۱۲). در ضمن این یافته‌ها با نتایج

References

1. Akiyama, H., Holtzman, J. M., Britz, W.E. (1987). Pet ownership and health status during bereavement. *J. death dying*. 17: 187- 193.
2. Bagley, d. K. (2005). Pet attachment and personality type. *J. Anthroz*. 18: 28- 42.
3. Brown, L. T., Shaw, T. G., Kirkland, D. (1972). Affection for people as a function of affection for dog. *Psycho. Rep*. 31:957-958.
4. Cameron, P., Mattson, M. (1972). Psychological correlates of pet ownership. *Psycho. Rep*. 30:286.
5. Daly, B. (2003). Children with pets do not show higher empathy: A challenge to current views. *J. Anthroz*. 16: 298-314.
6. Edelson, J., Lester, D. (1983). Personality and pet ownership: A preliminary study. *Psycho. Rep*. 53: 990.
7. Friedmann, E. (1998). The role of pets in enhancing human well-being: Psychological Effects. *The Waltham Book of Human-Animal Interaction: Benefits and Responsibilities*. Courtesy of Waltham. UK.
8. Garrity, T. F., Stallones, L., Marx, M. B., Johnson, T. P. (1989). Pet ownership and attachment as supportive factors in the health of the elderly. *J. Anthroz*. 3: 35-44.
9. Goldberg, D.P. (1989). Screening for psychiatric disorder. In: *The Scope of Epidemiological Psychiatry*, Williams, P., Wilkinson, G., Rawnsley, K.(eds.). Routledge. London, UK. p. 108-128.
10. Goldberg, L. R. (1999). A broad-band with, public domain, personality inventory measuring the lower-level facets of several five factor models. In: *Personality Psychology in Europe*, Mervielde, I., deary, I., de Fruyt, F., Ostendorf, F. (eds.) *Tillburg University Press*, Tillburg, The Netherlands. p.7-28.
11. Kidd, A. H., Kidd, R. M. (1980). Personality characteristics and preferences in pet ownership. *Psycholo. Rep*. 46: 939-949.
12. Kidd, A. H., Kidd, R. M. (1989). Factors in adults attitudes to ward pets. *Psycho. Rep*. 65: 903-910.
13. Kidd, H., Kelley, T., Kidd, M.(1983). Personality characteristics of horse, turtle, snake and bird owners. *Psycho. Rep*. 52: 719-729.
14. McCrae, R. R., Costa, P. T. (1999). A Five -Factor Theory of Personality. In: *Handbook of Personality: Theory and Research*. Pervin, L.A., John, O.P. (eds). The Guilford Press. New York. London, USA. p.139-153.
15. McNicholas, J., Gilbey, A., Rennie, A., Ahmedzai, S., dono, J., ormerod, E. (2005). Pet ownership and human health: a brief review of evidence and issues. *B.M.J*. 331: 1252-1254.
16. McNicholas, J., Collis, G. M. (1998). Could Type A (coronary prone) personality explain the association between pet ownership and health. In: *Companion Animals in Human Health*. Wilson, C. C. Turner, d. C., Thousand. O. (eds.) Sage publications. CA, USA. 173-185.
17. Mugford, R. S., Mcomisky, J. G. (1972). Therapeutic value of cage birds with old people. In: *Pet Animals and Society*. R. S. Anderson.(ed.) *Bellaire Tindal*, London, UK. 54-65.
18. Ory, M. G., Goldberg . E. L. (1983). Pet possession and well-being in elderly women. *Psycho. Rep*. 5: 389-409.
19. Paden-Levy, d. (1985). Relationship of extraversion, neuroticism, alienation and divorce incidence with pet ownership; *Psycho. Rep*. 57: 868-870.
20. Parslow, R. A. (2005). Pet ownership and health in older adults: findings from a survey of 2, 551 community- based Australians aged 60-64. *J. Geronto*. 51: 40- 47.
21. Raina, P., Waltner-Toews, d., Bonnett, B., Wood-Ward, C., Abernathy, T. (1999). Influence of companion animals on the physical and psychological health of older people : A analysis of a one-year longitudinal study. *J. Am. Geronto. Soci*. 47: 323-329.
22. Schmall, V. L., Pratt, C. (1986). Special friends: Elders and pets. *Generation: J. Am. Soci. Aging*. 10: 44-45.
23. Siegel, J. M. (1990). Stressful life Events and use of physician services Among the Elderly: The Moderating Role of pets ownership. *J. person. soci. psycho*. 58: 1081-1086.



THE RELATIONSHIP BETWEEN TYPE OF PET OWNNING AND PET OWNER PERSONALITY AND MENTAL HEALTH CARE

Akbari Zardkhaneh, S. *, Rostami, R., Mamaghanieh, M.

*Department of Measurement, Faculty of Educational and psychology, University of Allame
Tabatabaai, Tehran- Iran.*

(Received 28 November 2010 , Accepted 24 May 2011)

Abstract:

Due to conflicts in the results of previous studies comparing the mental health and personality characteristics of pet owners and non-pet owners, and because of the lack of similar research in the Iranian society, this study was conducted to compare the mental health and personality characteristics of pet owners and non-pet owners. The test group consisted of 400 individuals who referred to the veterinary clinic of the University of Tehran in a 12-month period, and 100 non-pet owners as a control group that were matched based on sex and age with the owners. The International Personality Item Pool (IPIP) and General Mental Health Questionnaire (GHQ- 28) were applied for data collection. Data analysis, using multivariate analysis of variance showed that all groups of pet owners were less open to experience than control group members. Furthermore, mental health problems were observed at a higher frequency in pet owners. Therefore, it was concluded that the causes and conditions of pet ownership in the Iranian culture could be different from those in other cultures.

Key words: pet owners, personality, mental health.

*Corresponding author's email: akbari76ir@yahoo.com, Tel: 021-88259418, Fax: 021-88259418

